

عبادت در سبک زندگی اسلامی

دعاهای اهل بیت علیهم السلام اکسیر جانها

اشاره

یکی از برکات وجودی اهل بیت علیهم السلام دعاها و نیایش‌های رسیده از آنان است. این مجموعه نفیس و بی‌بدیل، گنجینه‌ای از حکمت و معرفت و دلیلی بر حقانیت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است. هر یک از این ادعیه که با شیواترین کلمات و رساترین عبارات ادا شده، حلاوت و طراوت خاص خود را دارد و بهترین و کامل‌ترین نمونه راز و نیاز بنده با پروردگار خویش است. این دعاها، تنها راز و نیاز به درگاه خدا و بازکردن سفره دل نزد معبود حقیقی، نجوا با او و خواستن حاجت‌های مادی و معنوی خود از خدا نیست؛ بلکه دارای ابعاد تربیتی‌ای است که اهمیتش کمتر از بُعد نخست نیست. ادعیه اهل بیت علیهم السلام از سویی باورهای انسان را اصلاح می‌کند و به آن‌ها عمق می‌بخشد و از سوی دیگر نفس دعاکننده را صفا و جلا بخشیده، او را از آلودگی‌ها و تاریکی‌ها به سوی پاکی و روشنایی هدایت می‌کند و مانند کیمیا خاک وجود انسان را به طلا مبدل می‌سازد. بر این اساس، ادعیه اهل بیت علیهم السلام یک مدرسه انسان‌سازی است که شاگردانش را به عالی‌ترین درجات انسانی می‌رساند.

نیم‌نگاهی به شرح حال بزرگان شیعه بیانگر آن است که آنان در کنار جهاد علمی و عملی و مداومت بر نوافل و تهجد و تلاوت قرآن، دلبستگی شدیدی به ادعیه اهل بیت علیهم السلام داشته، از همین رهگذر به درجات والای اخلاق و عرفان رسیده و

شاگردان خود را نیز به این شیوه توصیه کرده‌اند. برای مثال هنگامی که یکی از شاگردان علامه طباطبایی رحمته‌الله به محضر استاد خویش شرفیاب می‌شود و عرض حاجت می‌کند، آن بزرگوار در جواب می‌گوید:

آقا! دعای سحر حضرت باقر علوم نبیین علیهم‌السلام را فراموش نکن که در آن، بهاء و جمال و جلال و عظمت و نور و رحمت و علم و شرف است و حرفی از حور و غلمان [در آن دعا] نیست. اگر بهشت شیرین است، بهشت آفرین شیرین‌تر است.^۱

نواده شیخ مرتضی انصاری رحمته‌الله نیز در احوال جد بزرگوار خویش می‌گوید: از جمله عاداتش، خواندن زیارت عاشورا بود که در هر روز دو بار صبح و عصر آن را می‌خواند و بر آن بسیار مواظبت می‌نمود. بعد از وفاتش، کسی او را در خواب دید و از احوالش پرسید. در جواب سه مرتبه فرمود: عاشورا، عاشورا، عاشورا.^۲

در این مجال مختصر، بر آنیم تا شمه‌ای از بهره‌های اخلاقی و تربیتی دریای گهربار ادعیه اهل بیت علیهم‌السلام را بازگو کنیم. امید که زمینه‌ای برای انس و آشنایی هرچه بیشتر جامعه ایمانی ما با این میراث گرانبها باشد.

۱. پرورش خصلت تواضع و فروتنی در برابر خداوند

تواضع و فروتنی در برابر خدا، از فضایل کلیدی انسان است که در برابر تکبر و غرور قرار دارد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ وَ مَنْ تَكَبَّرَ خَفَضَهُ اللَّهُ»^۳: «کسی که برای خدا تواضع کند، خدا او را بالا می‌برد و کسی که تکبر ورزد، خدا او را پایین می‌آورد». از آنجا که عجز و نقص و جهل، سراسر وجود انسان را احاطه کرده و علم و قدرت و کمالات، همه از آن خداست؛ رسم درست بندگی این

۱. رضا مختاری؛ سیمای فرزندگان؛ ص ۱۷۱. مراد از دعای سحر امام باقر علیهم‌السلام همان دعای معروف است که با این عبارت آغاز می‌شود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِأَبْهَاهِ وَ كُلِّ بَهَائِكَ بِهِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِبَهَائِكَ كُلَّهُ».

۲. همان؛ ص ۱۸۷.

۳. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۱۲۲، ح ۳.

است که همواره پروردگار خویش را تعظیم و در برابرش اظهار ذلت و خاکساری کند؛ زیرا حقیقت عبادت و بندگی نیز همین است.^۱ ویژگی عبادت دعا این است که خواری و ناتوانی انسان در برابر ذات ذوالجلال را به بهترین شکل، برای بنده مجسم و نمایان می‌سازد. از این روست که دعا در روایات نبوی، مغز عبادت خوانده شده است.^۲

از آنجا که ادعیه اهل بیت علیهم السلام کامل‌ترین نمونه دعاست، انس با این ادعیه نیز اندک اندک فضیلت تواضع در برابر خدای بزرگ را در وجود انسان تقویت و نهادینه می‌کند و رذیله تکبر در برابر او را که عین خودپرستی است، تضعیف و ریشه‌کن می‌سازد:

فکرِ خود و رأیِ خود در عالمِ رندی نیست

کفر است در این مذهب، خودبینی و خودرایی

به می‌پرستی از آن نقش خود بر آب زدم

که تا خراب کنم نقش خودپرستیدن^۳

در این دعاها، انسان خود را بسان قطره‌ای می‌بیند که بدون اتصال به دریا، ارج و مقداری ندارد. برای مثال امیرالمؤمنین علیه السلام در دعای کمیل، شناسنامه بندگی خود را باز می‌کند و حقیقت وجودیش را در برابر خدا این چنین به تصویر می‌کشد: «أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمُسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ».^۴ اگر کسی از عمق وجود این جملات را بر زبان آورد و با آن خو بگیرد، دیگر جایی برای سرکشی و غرور در برابر حضرت حق در وجودش باقی نمی‌ماند. در تعقیب نماز عصر این چنین به درگاه خدا عرضه

۱. حسین بن محمد راغب اصفهانی؛ مفردات الفاظ القرآن؛ ص ۵۴۲؛ مرتضی زبیدی؛ تاج العروس؛ ج ۵، ص ۸۴

۲. «الدُّعَاءُ مَعَ الْعِبَادَةِ» ر.ک: ابن فهد حلی؛ عده الداعی؛ ص ۲۹؛ شریف رضی؛ نهج البلاغه؛ ص ۳۹۸، نامه ۳۱.

۳. شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی؛ دیوان حافظ؛ غزل شماره ۴۹۳.

۴. شیخ طوسی؛ مصباح المتعجل؛ ج ۲، ص ۸۴۷.

می داریم:

أَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةً عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ فَقِيرٍ بَائِسٍ مِسْكِينٍ مُسْتَجِيرٍ: از او می خواهم بر من توبه کند، توبه بنده خوار فروتن فقیر بدحال بیچاره پناه جوینده.
لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا: که مالک سود و زیان و مرگ و زندگی و رستاخیز خود نیست.

اگر کسی هر روز این دعا را با توجه تکرار کند، بی شک خوی استکبار و خودبزرگ بینی در او تضعیف خواهد شد. در شرح حال امام حسن مجتبی علیه السلام آمده است که وقتی به در مسجد [النبی] می رسید، سرش را بالا می گرفت و می گفت: «إِلَهِي صَبِّحْكَ بِبَابِكَ، يَا مُحْسِنُ قَدْ أَتَاكَ الْمُسِيءُ فَتَجَاوَزْ عَنِّي مَا عِنْدِي بِجَمِيلٍ مَا عِنْدَكَ يَا كَرِيمٌ»: «معبود! میهمانت به در خانهات آمده است. ای نیکوکار! بدکار به سراغت آمده است، پس ای کریم! از زشتی آنچه نزد من است، به زیبایی آنچه نزد خودت هست، بگذر!».

۲. پرورش روحیه توبه و استغفار

ماه رمضان به ویژه شب قدر، بهترین فرصت توبه و استغفار است؛ زیرا درهای رحمت حق بیش از هر زمان به روی بندگان باز است. پس باید هر چه بهتر از این فرصت استفاده و از گناهان گذشته توبه کرد و با دعا و گریه و توسل از خداوند آمرزش خواست تا مبدا مشمول این حدیث نبوی شویم که فرموده است: «فَإِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حُرِمَ حُرْمَ غُفْرَانَ اللَّهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ»: «بدبخت و بدعاقبت، کسی است که از آمرزش خدا در این ماه عظیم محروم شود».

ادعیه اهل بیت علیهم السلام از بهترین وسائلی است که می توان برای توبه و استغفار حقیقی از آن بهره جست. مدرسه ادعیه و مناجات اهل بیت علیهم السلام به ما می آموزد که گناه و نافرمانی، ریشه همه نکبت ها و بدبختی های بشر است و باید پیوسته از گناهان خود

۱. همان؛ ج ۱، ص ۷۵.

۲. ابن شهر آشوب؛ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام؛ ج ۴، ص ۱۴.

۳. شیخ صدوق؛ الأمالی؛ ص ۹۳.

به درگاه خدا توبه کرد. این ادعیه شیوه صحیح توبه و استغفار را نیز به انسان می‌آموزند. برای مثال یکی از مناجات‌های مأثور اهل بیت علیهم السلام، مناجات خمس عشره امام زین العابدین علیه السلام است که شامل پانزده مناجات زیبا با نام‌های متفاوتی همچون مناجات التائبین، مناجات الشاکین، مناجات الخائفین و مناجات الراجین است. در اهمیت این مناجات، همین بس که برخی از بزرگان شیعه هر شب بر خواندن آن مداومت داشته‌اند؛ هم‌چنان‌که صاحب قصص العلما درباره پدرش مرحوم میرزا سلیمان تنکابنی - که از شاگردان بزرگ حکیم معروف ملاعلی نوری رحمته الله بوده است - می‌نویسد: «وی همیشه در قنوت نماز وتر، مناجات خمس عشره را می‌خواند و گاه به شدت می‌گریست».^۱ در احوال ملا محمدتقی برغانی رحمته الله - از مشاهیر علمای مجاهد ایران در قرن سیزدهم هجری و معروف به شهید ثالث^۲ - نیز چنین آمده است:

عبادت آن جناب چنان بود که همیشه از نصف شب تا طلوع صبح صادق، به مسجد خود می‌رفت و به مناجات و ادعیه و تضرع و زاری و تهجد اشتغال داشت، مناجات خمس عشره را از حفظ می‌خواند و بر این روش و شیوه پسندیده استمرار داشت تا همان شب که [در حال سجده و خواندن مناجات خمس عشره] شربت شهادت را نوشید.^۳

نخستین مناجات از مناجات خمس عشره، مناجات التائبین نام دارد که در آن امام به بیان‌های گوناگون، از حال خود به خداوند شکوه و به درگاه او توبه می‌کند. در فراز نخست این دعا، بنده ذلت و بدحالی خود را که برخاسته از گناه و نافرمانی خداست، این‌چنین توصیف می‌کند:

إِلٰهِي الْبَسْتَنِي الْخَطَايَا تُوْبَ مَدَلَّتِي: معبودا! گناهان جامه خواری‌ام پوشاند.
وَجَلَلَنِي التَّبَاعُدُ مِنْكَ لِبَاسَ مَسْكِنَتِي: و دوری از تو لباس بیچارگی بر پشتم نهاد.
وَأَمَاتَ قَلْبِي عَظِيمُ جَنَائِي: و جنایت بزرگ من، دلم را میراند.

۱. ر.ک: همان؛ ص ۱۶۶-۱۶۷. (به نقل از قصص العلما).

۲. ملا محمدتقی برغانی به سبب مبارزه سرسخت با دو فرقه انحرافی شیخیه و بابیه، در سحرگاه ۱۵ ذی‌قعدة ۱۲۶۳ هجری و در حال عبادت با ضربه‌های مهلک چند نفر از پا در آمد.

۳. همان؛ ص ۱۷۰. به نقل از کتاب نجوم السماء.

پس از این توصیف، از پروردگار می‌خواهد که دلش را با توبه احیا کند؛ چرا که هیچ امید و آرزویی جز معبود خود و پناهگاهی جز او ندارد؛ پس می‌گوید:

فَأَخِيهِ بِتَوْبَةٍ مِنْكَ يَا أَمَلِي وَبُعْثِي وَيَا سؤُلي وَمُنِيَّتِي: پس آن را با توبه‌ای از جانب خودت زنده کن، ای امید و مطلوب من و ای خواسته و آرزویم!

فَوَعْرَتِكَ مَا أَجْدُ لِدُنُوبِي سِوَاكَ غَافِرًا: به عزتت سوگند! برای گناهانم جز تو آمرزنده‌ای نمی‌یابم.

وَلَا أَرَى لِكُسْرِي غَيْرَكَ جَابِرًا...: و برای شکستم، جز تو جبران‌کننده‌ای نمی‌بینم.

فَإِنْ طَرَدْتَنِي مِنْ بَابِكَ فَمِنْ أَلْوَدُ: پس اگر مرا از درگاهت برانی، به که پناه آرم؟! و إِنْ رَدَدْتَنِي عَنْ جَنَابِكَ فَمِنْ أَعْوَدُ: و اگر از جوارت بازگردانی، به که پناه گیرم؟!^۱

طبق نقل امام باقر علیه السلام، رسول‌خدا صلی الله علیه و آله شب هنگام برخاست تا نافله بخواند، عایشه بیدار شد و داخل اتاق به جستجوی پیامبر صلی الله علیه و آله بر آمد، ناگهان متوجه شد حضرت در حال سجده و گریه است و این چنین می‌گوید:

«سَجَدَ لَكَ سَوَادِي وَ خَيَالِي وَ آمَنَ بِكَ فُوَادِي»: «ضمیم و خیالم برایت سجده کرد و دلم به تو ایمان آورد».

یعنی سجده من برای تو سجده‌ای حقیقی است، نه سجده ظاهری و نمایشی. وقتی سر بر خاک می‌نهم، همه فکر و اندیشه و ضمیرم در برابر تو تسلیم و خاکسار است. ایمان من به تو نیز ایمانی حقیقی و از صمیم قلب است و لقلقه زبان نیست. در فراز بعد آن حضرت با این عبارات به درگاه خدا توبه می‌کند:

أَبُوءُ إِلَيْكَ بِالنَّعْمِ وَ اعْتَرِفُ لَكَ بِالذَّنْبِ الْعَظِيمِ: با نعمت‌ها به سویت باز می‌گردم و به گناه بزرگم اعتراف می‌کنم.

عَمِلْتُ سُوءًا وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَأَغْفِرْ لِي: بدی کردم و به خود ستم کردم، پس مرا ببامرز.

إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِلَّا أَنْتَ: به درستی که جز تو کسی گناه بزرگ را نمی‌آمرزد.

سپس از عقوبت خدا، به عفو او و از خشم خدا، به رضایش و از عذاب او به رحمتش پناه می‌برد؛ یعنی از صفات جلالیه خدا به صفات جمالیه او پناه می‌برد و

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۹۱، ص ۱۴۲.

آن‌گاه او را این چنین مدح و ثنا می‌کند:
لَا أَبْلُغُ مَدْحَكَ وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ: من به [انتهای] مدح و ثنایت
نمی‌رسم، تو همان‌گونه هستی که بر خود ثنا کرده‌ای.
در فراز پایانی نیز دوباره به درگاه خدا استغفار و توبه می‌کند و می‌گوید: «أَسْتَغْفِرُكَ وَ
أَتُوبُ إِلَيْكَ»^۱: «از تو آمرزش می‌طلبم و به سویت توبه می‌کنم».

۳. پرورش فضیلت حیا از خدا

حیا، یکی از خصلت‌های اخلاقی انسان است. حیا یا شرم، به معنای حالتِ گرفتگی
نفس از ارتکاب زشتی‌ها و ترک آن است.^۲ وجود این حالت تکوینی در انسان، سبب
می‌شود که در برابر دیدگان ناظر محترم خارجی، بی‌درنگ نه تنها چشم و دل بلکه
همه اعضای خود را از بسیاری از زشتی‌ها فرو پوشد. حیا و شرم بر دو قسم است:
حیای از خدا و حیای از خلق خدا که از میان این دو، حیای از خدا بسیار مهم‌تر و
ارزشمندتر است و خدا بیش از هر کس دیگر سزاوار حیاست؛ زیرا عالم، محضر
خدایی است که در همه جا حاضر و ناظر و در روز قیامت، حاکم اعمال انسان است.
بنابراین اگر کسی از او حیا کند، چه در خلوت و چه در جمع، دست و دامن خود را
به معصیت او نمی‌آلاید.

روزی رسول‌خدا صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمود: «اسْتَحْيُوا مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ»: «از خدا به
صورت واقعی شرم و حیا کنید». گفتند: «يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ يَسْتَحْيِي مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ»:
«ای رسول‌خدا! چه کسی می‌تواند در مقابل خدا حقیقتاً شرم و حیا را رعایت کند؟
حضرت فرمود: «مَنْ اسْتَحْيَا مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ فَلْيَكُنْ أَبْجَلُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ لِيُزْهَدْ فِي الدُّنْيَا وَ
زِينَتِهَا وَ يَحْفَظِ الرَّأْسَ وَ مَا حَوَى وَ الْبَطْنَ وَ مَا طَوَى وَ لَا يَنْسَى الْمَقَابِرَ وَ الْبِلَى»^۳: «کسی که واقعاً
از خدا شرم و حیا کند، مرگ را هر لحظه مقابل خود می‌بیند، نسبت به دنیا و
تجملات آن زاهدانه زندگی می‌کند، سر و چشم و گوش و زبان و فکر خود و شکم

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۳، ص ۳۲۴. با اندکی تصرف در ترجمه.

۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی؛ مفردات الفاظ القرآن؛ ص ۲۷۰.

۳. حسین بن سعید؛ الزهد؛ ص ۴۵-۴۶، ح ۱۲۲. نیز ر.ک: شیخ صدوق؛ الخصال؛ ج ۱، ص ۲۹۳.

و اطراف آن را حفظ و کنترل می‌نماید و قبرستان و حالات درون قبر را فراموش نمی‌کند».

سرمایه تو جز عرق شرم هیچ نیست

چیزی مشو که هر چه شوی، بی‌حیا شوی^۱

دعاها و نیایش‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام فضیلت حیای از خدا را در وجود انسان تقویت می‌کند و از این رهگذر، او را از گناهان دور نگه می‌دارد. در این ادعیه نورانی، از یک سو نعمت‌های خدا بر انسان یادآوری می‌شود و از سوی دیگر این مضمون به انسان تلقین می‌شود که ای بنده خدا! تو در برابر این همه نعمت، ناسپاسی کردی و گناهان فراوانی را مرتکب شده‌ای که در برابر آن‌ها سزاوار عقوبت هستی. اگر تا کنون در برابر آن‌ها عقوبت نشده‌ای، به سبب جهل یا غفلت و فراموشی پروردگار نیست؛ بلکه از سر پرده‌پوشی و کرم و عفو اوست. پس ای بنده غرق در نعمت‌های خدا! اگر در کرم و رحمت خدا باز است، حیایت کجا رفته؟ پس به خود آی و از خدا حیا کن و دست از گناه بکش. برای مثال امام سجاده علیه‌السلام در دعای شانزدهم صحیفه سجادیه با موضوع توبه و استغفار به درگاه خداوند متعال عرضه می‌دارد:

يَا إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ فَكَمْ مِنْ عَائِبَةٍ سَتَرْتَهَا عَلَيَّ فَلَمْ تَفْضَحْنِي: معبودا! حمد تو راست؛ چه عیب‌ها که بر من پوشاندی و رسوایم نکردی.

وَ كَمْ مِنْ ذَنْبٍ غَطَّيْتَهُ عَلَيَّ فَلَمْ تَشْهَرْنِي: و چه گناهانی که بر من پوشاندی و بدان شهره‌ام نکردی.

وَ كَمْ مِنْ شَائِبَةٍ أَلَمْتُ بِهَا فَلَمْ تَهْتِكْ عَنِّي سِتْرَهَا: ^۲ و چه آلودگی‌هایی که از آن آگاه بودی، ولی پرده‌اش را از من ندریدی.

یادآوری این نعمت‌ها سبب می‌شود که انسان کمی به خود آید و از خدا حیا کند و کمتر خود را با گناه آلوده نماید.

امام علیه‌السلام در دعای ابوحمزه ثمالی با عباراتی زیباتر از مناجات پیشین، لزوم حیای

۱. ابوالمعالی میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی؛ دیوان اشعار؛ غزلیات، بخش نهم، ش ۱۷۱.

۲. امام زین العابدین علیه‌السلام؛ الصحیفه السجادیه؛ ص ۸۰.

انسان از خدا را این چنین متذکر می‌شود:

أَنَا يَا رَبِّ الَّذِي لَمْ أَسْتَحْيِكَ فِي الْخَلَاءِ وَلَمْ أُرَاقِبْكَ فِي الْمَلَأِ...: بارپروردگارا! من همانم که در خلوت از تو حیا نکردم و در جماعت از تو مراقبت نکردم.

أَنَا الَّذِي أَمَهَلْتَنِي فَمَا اِزْعَوَيْتُ وَسَتَرْتَ عَلَيَّ فَمَا اسْتَحْيَيْتُ: من همانم که مهلتم دادی، ولی باز دست برنداشتم و بر من پوشاندی، ولی حیا نکردم.

وَعَمِلْتُ بِالْمَعَاصِي فَتَعَدَيْتُ وَأَسْقَطْتَنِي مِنْ عَيْنِكَ فَمَا بَالَيْتُ: و نافرمانی‌ات را از حد گذراندم و مرا از چشمت انداختی، پس اعتنایی نکردم.

فَبِحِلْمِكَ أَمَهَلْتَنِي وَبِسِرِّكَ سَتَرْتَنِي حَتَّى كَأَنَّكَ أَعْقَلْتَنِي: پس با بردباری‌ات، مهلتم دادی و به پرده‌پوشی‌ات آن چنان بر من پوشاندی که گویا از من غفلت کردی.

وَمِنْ عُقُوبَاتِ الْمَعَاصِي جَنَّبْتَنِي حَتَّى كَأَنَّكَ اسْتَحْيَيْتَنِي: ^۱ و آن چنان مرا از کیفرهای گناهان بر کنار داشتی که گویی از من حیا کردی!

این عبارات اعجاز‌آمیز آن چنان بلند و گویاست که هر یک از آن‌ها به تنهایی می‌تواند دل‌های آماده را بلرزاند و آدمی را از منجلاب گناه و تباهی، به وادی نور و هدایت درآورد.

۴. پرورش روحیه شکرگزاری از خدا

یکی از بهره‌های تربیتی دعاهای اهل بیت علیهم السلام این است که روحیه شکرگزاری را در انسان تقویت می‌کند؛ زیرا شکر نعمت، نشانه معرفت و حق‌شناسی و سبب مزید نعمت و کفران آن، سبب زوال نعمت و خشم صاحب نعمت و نزول عذاب است.^۲

این دعاها لبریز از یادآوری نعمت‌های آشکار و پنهان پروردگار و اظهار شکر و قدرانی از اوست. تکرار این مضامین با ادبیات زیبا و متنوع، سبب می‌شود که انسان از ولی نعمت اصلی خود غافل نشود، حق نمک به جا آورد و از نعمت‌های خدا برای سرکشی و طغیان در برابر او بهره نجوید.

۱. شیخ طوسی؛ مصباح‌المتجهد؛ ج ۲، ص ۵۸۹.

۲. ابراهیم : ۷: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ».

برای مثال زینت عبادت‌کنندگان، امام سجاد علیه السلام در فرازهایی از دعای ابوحمزه ثمالی از نعمت‌های فراوان و گوناگون مادی و معنوی پروردگار خویش یاد می‌کند؛ نعمت‌هایی که از همان آغاز پیدایش همراه و همزاد انسان بوده است. نعمت پرورش از خردسالی، نعمت تعلیم و نجات از جهل، نعمت هدایت و نجات از گمراهی، نعمت رفعت و مقام، نعمت امنیت و رفع ترس، نعمت آب و خوراک و پوشاک، از جمله نعمت‌هایی است که حضرت در دعا به آنها اشاره می‌کند و باز ادامه می‌دهد:

وَ [أَنَا] الْفَتِيرُ الَّذِي أَغْنَيْتَهُ وَالضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ وَالذَّلِيلُ الَّذِي أَعَزَّيْتَهُ: و من همان نیازمندی هستم که بی‌نیازش کردی و همان ناتوانی که نیرومندش ساختی و همان ذلیلی که عزیزش کردی.

وَ السَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ وَالسَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ: و همان بیماری که شفایش دادی و همان سائلی که عطایش کردی.

وَ الْمُذْنِبُ الَّذِي سَتَرْتَهُ وَالْخَاطِئُ الَّذِي أَقَلْتَهُ: و همان گنهکاری که گنااهش را پوشاندی و همان خطاکاری که عذرش را پذیرفتی.

وَ أَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي كَثَّرْتَهُ وَالْمُسْتَضْعَفُ الَّذِي نَصَرْتَهُ وَ أَنَا الطَّرِيدُ الَّذِي آوَيْتَهُ: ^۱ و من همان ناچیزی هستم که بسیارش کردی و همان مستضعفی که یاری‌اش کردی و من همان رانده‌ای هستم که پناهش دادی.

در دعا‌های اهل بیت علیهم السلام گاه از نعمت‌های فراموش‌شده خدا یاد می‌شود یا نعمت‌هایی که کمتر در آنها اندیشیده می‌شود و یا نعمت‌هایی که از آنها خبر نداریم. برای مثال امیرالمؤمنین علیه السلام در دعای کمیل برخی نعمت‌های خدا را این‌چنین بر می‌شمارد:

اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ: بارالها مولای من! چه زشتی‌هایی که از من پوشاندی.

وَ كَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقَلْتَهُ: و چه بلاهای سنگین که از من برگرداندی.

وَ كَمْ مِنْ عَثَارٍ وَقَيْتَهُ: و چه لغزش‌هایی که از آن نگاهم داشتی.

وَ كَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ: و چه ناخوشی‌ها که از من دفع کردی.

۱. شیخ طوسی؛ مصباح‌المتهجج؛ ج ۲، ص ۵۸۹.

وَكَمْ مِنْ تَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشْرَتُهُ^۱ و چه ستایش‌های زیبا که اهلش نبودم و منتشر ساختی.

امام حسین علیه السلام در دعای عرفه پس از برشمردن ده‌ها نعمت پروردگار، می‌فرماید: «اگر من عصرها و قرن‌های متمادی زنده بودم و در طول آن‌ها تلاش می‌کردم که شکر یکی از نعمت‌های تو را به جا آورم، قادر بر این کار نبودم، جز با نعمت [جدید] تو که شکر و ثنای جدیدی بر گردن من می‌آورد»^۲.

این‌ها تنها چند نمونه کوتاه از بهره‌های تربیتی ادعیه اهل بیت علیهم السلام بود. بی‌شک هر یک از ادعیه آن بزرگواران، آثار تربیتی متعددی دارد که با تأمل، تفکر و پژوهش بیشتر، می‌توان آن‌ها را شناخت و در مقام دعا کردن نیز از آن‌ها بهره گرفت.

۱. همان؛ ج ۲، ص ۸۴۵.

۲. سید بن طاووس؛ الإقبال بالأعمال الحسنة؛ ج ۲، ص ۷۷.